

شبی که آقا شخصاً

به من زنگ زد...

روزی ۳۰۰ جانباز و خانواده شهید در ماه رمضان خدمت آقا رسیدند. با زبان آقا می‌گفتند: «آقا، روز ۴ ساعت سر پا ایستاد و با این ۳۰۰

کردآورنده:تقی دراکام

خانواده یکی‌یکی احوالپرسی کرد. با هر کدام مثل پدری مهربان صحبت کرد. من ۲-۳ بار کنار رفتم و نشستم، اما آقا ۴ ساعت ایستاد و تا مغرب با آنها احوالپرسی کرد. بعد با آنها نماز خواند و افطار کرد. شب من به بنیاد شهید رفتم تا کارهایم را جمع کنم؛ تلفن زنگ می‌خورد. گویی را برداشتم... خدایا! درست می‌شوم، خواب می‌بینم؟ صدای آقاقت. سلبقه نداشت آقا تلفن بزند. مگر دفتر و آدم آنجا نیست؟ دیدم اشتباه نمی‌کنم خود ایشان است. آقا فرمودند: همسر شهیدی به نام فلان، برای من نامه نوشته که ازدواج مجدد کرده و با این شوهر جدیدش اختلاف دارد. مشکلیش را نوشته و برای من توضیح داده است. فرمودند این را دنبال کنيد حل بشود. من داشتم می‌رفتم، ولی یکدفعه فکر کردم آقا به جای اینکه بعد از ۴-۵ ساعت سر پا ایستادن با آن وضعیت، استراحت کند، نامه‌ا را می‌خواند و حالا به نامه‌ای برخور کرده که طاقت نمی‌آورد بگذارد فردا به دفتر بگوید و دفتری پی‌نوشت کند که پس فردا راسال کنند تا به دبیر خاله بنیاد شهید برسد و چند روز بعد به من برسد و تازه من اقدام کنم. دیدم آقا داشل بنیامه این مساله به فردا صبح یکشد. همین امشب مثل اینکه خواب از چشمش گرفته شده و می‌خواهد این کار انجام بشود. گفتم اگر آقا این‌طوری است چرا من بروم خانه؟ چند شب بعد افطار خدمت آقا رفتم. سر سفره عرض کردم مشکل بچه‌شان که حل شد هیچ، مشکل پدر و مادر بچه هم حل شد و سر زندگی رفتند. این را که گفتم آنچنان در چهره آقا شدی موج زد که واقعا آنچنین وضعیتی را من کمتر در ایشان دیده بودم.

محمدحسین رحیمیان/ خبرنگارمه آینده روشن
 شماره ۱۳۶۸، اردیبهشت ۱۳۹۵ – صفحه ۶۹

در حاشیه استعداد!

علم اگر در خدمت ستم‌پدگان نباشد، ناگزیر آلت فعل سرمایه‌داران و ستمگران و جهان‌خواران و نظامی‌گران متجاوز است. همان‌گونه که گفتیم، هنوز هم سادولوحان جاهل، ظاهرپنهان خودباخته، اختگان سیاسی از کار افتاده طراقت و قشرهای مرفه ستم‌گر، شبه‌دانشمندان مزدبگیر و شبه‌هنرمندان تنگ‌نظر خودیگانه‌بین، کارمندان وضعیت‌پذیرفته قید امیدزده فسیل‌شده، زندان و رشوه‌خواری که راه نجات را نه در تلاش بله در خلاف یافته‌اند، از آن به‌عنوان یک موفله جدی و یقینی سخن می‌گویند و در گسترندن حس ناامیدی عمومی و فراهم آوردن شرایط تسلیم و رضا در برابر طبیعت غدار، با تکیه بر این تعریف استعداد (یک شایستگی مادرزادی فرهنگی خاص جهت انجام یک عمل خاص)، دانسته و ندانسته به خدمتگزاری استعمار و استثمار مشغولند و همین‌ها هستند که از گروه‌های عظیم سادولوحان مختلف نمی‌خواهند که با باور اصیل «شایستگی خاص مادرزادی» و با توجه به این اصل، یا را از محدوده امربری فرهنگی و سیاسی بیرون نگذارند و نظام حیات را با بیشتر خواهی‌هایی که متناسب با استعدادهای‌شان نیست، آشفته‌نکنند. استعداد یا معنای یک عامل فرا اراده، عاملی است ضد انقلاب، ضد تحول، ضد آزادی، ضد آسایش، و ضد رشد معنوی انسان.

نادر ابراهیمی/ آموزش نویسندگی
 انتشارات فرهنگ – صفحات ۲۶ و ۲۷

خودنمایی یا دایره وسیع لغات!

کسی که می‌گوید «استیصال»، در حالی که منظورش به زبان ساده «هراندگی» است، یا می‌گوید «خرعبلات»، در حالی که اگر بگوید «هرتوبلا» راحتر می‌توانیم به منظورش پی ببریم، ممکن است دایره لغات وسیعی داشته باشد، ولی آیا تفکر وسیعی هم دارد؟ احتمالا نه. کسانی که لغات و عبارات دشوار و ادیبانه به کار می‌برند، به طوری که بیشتر مردم باید برای فهم آنها به معزنان فشار بیاورند، در بیشتر موارد خودبینی، خودنما هستند و معمولاً سطح فکر پایینی دارند.

دیوید جوزف شواریز/ جادوی فکر بزرگ
 زنا بخت‌آور – نشر فروزه – صفحات ۸۰ و ۸۱

به سلامتی فدایان خلق!

شبی در یک جشن عروسی خلوادگی، سرلشکری را که از اقوام ما بود و سال‌ها به عنوان وابسته نظامی ایران در اسرائیل خدمت کرده بود ملاقات کردم. وقتی با من روبه‌رو شد، گفت: «ز آمدند به کشور خوشحال هستم. اجازه بده گیلانم را به سلامتی اسازمان! فدایان خلق ینوشم»، و مشرویش را سر کشید. به او گفتم: «تیسلا! به چه مناسبتی به سلامتی فدایی‌ها [ما] می‌نوشید؟» گفت: «در تنگنا هستم و راهی جز این ندارم. آنچه داشتیم اعلی‌حضرت بود که در خدمت‌شان بودیم و دیگر تشریف ندارند. خب! حالا باید بین ریش و عمامه و وضعیتی که فدایی‌ها می‌خواهند به وجود آورند انتخاب کنم. اگر این آخوندها بیایند سرکار، همین ویسکی را هم از دست من خواهند گرفت. به همین جهت به سلامتی فدایی‌ها می‌نوشم».

حمید شوکت/ نگاهی از درون به جنبش چپ ایران
 جلد اول: گفت‌وگو با مهدی خلیلیاتهرانی
 شرکت سهامی انتشار – صفحات ۳۶ و ۳۷۰

حضرت امام حسن مجتبی‌(ع):

بین حق و باطل به اندازه ۸ انگشت فاصله است آنچه با چشمت بینی، حق است و چه بپسا با گوش خود سخن باطل بسیاری را بشنوی.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد خوندی
 مدیرعامل: رضا کتونیکی
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۱ | نمابر: ۶۶۴۱۳۱۲۷
 پیام‌سان: vatanemroo@ | پست الکترونیک: info@vatanemroo.ir
 چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

مروری بر کارنامه تعدادی از هنرمندان عکاس که تاریخی ترین قاب‌های دفاع مقدس را ثبت کردند

فریم‌های قصه‌گو

انسان را نشان می‌دهد؛ من فقط شاهد بودم.» او در عملیات‌های ثامن‌الامنه و طریق‌القدس حضور داشت و عکس‌هایی از عبور رزمندگان از هورالمظیم ثبت کرد که امروز، در آرشیو یونسکو نگهداری می‌شود. مثلاً عکسی از یک بسیجی که در میان نیزاه‌ها دعای می‌خواند، نمادی از توکل الهی است. اهمیت حضور یعقوب‌زاده در پیوند دفاع مقدس با جهان بود. او با همکاری آژانس‌های خارجی مانند آسوشیتدپرس، جنایات عراق را افشا کرد. عکس «ویرانه‌های آبادان» سندی بر بمباران‌های شیمیایی است که در گزارش‌های سازمان ملل استفاده شده. بیش از ۱۰۰ هزار نگاتیو از دفاع مقدس با جهان بود. در موزه هنرهای معاصر تهران است. یعقوب‌زاده که ۱۳ سال در فلسطین عکاسی کرد، تجربیاتش را به دفاع مقدس آورد و جنگ را از زاویه انسانی ثبت کرد. نقش او در ثبت ماندگارترین عکس‌ها، در نشان دادن وحدت اقوام ایرانی بود؛ عکسی از کردهای مه‌باد که به جبهه‌ها می‌پیوندند، نماد همبستگی ملی است. یعقوب‌زاده مرزهای قومی را شکست؛ او به عنوان ارمنی، در جبهه‌های جنوب عکاسی می‌کرد و می‌گفت: «وطن، رنگ و نژاد نمی‌شناسد». می‌توان ادعان کرد یعقوب‌زاده با بیش از ۴۰ سال فعالیت، عکاسی را به ابزاری برای صلح تبدیل کرد.

■ ساسان مویدی، راوی بمباران‌های تهران و بازگشت رزمندگان

ساسان مویدی متولد ۸ تیر ۱۳۳۸ در تهران، یکی از برجسته‌ترین عکاسان مستند دفاع مقدس است که با ثبت لحظات تلخ و انسانی جنگ، شناخته می‌شود. مویدی عکاسی حرفه‌ای

را از سال ۱۳۵۵ در روابط عمومی تلویزیون آموزشی ایران آغاز کرد. با شروع جنگ تحمیلی، او به‌سرعت به جبهه‌ها و مناطق جنگی پیوست و بیش از ۳۰ عملیات را پوشش داد. مویدی که ابتدا با دوربین‌های ساده کار می‌کرد، به‌زودی به یکی از روایتگران کلیدی جنایات بعثی‌ها تبدیل شد. او بیش از ۷۰۰ هزار نگاتیو از دفاع مقدس ثبت کرد که بخش عمده‌ای از آنها به بمباران‌های موشکی تهران و فاجعه شیمیایی حلبچه اختصاص دارد. مویدی می‌گوید: «عکاسی جنگ، یعنی باز کردن چشمان بسته جهان به روی فاجعه‌ها، نه جشن گرفتن آنها.» او با جسارت، در میان دود و آتش، لحظاتی را شکار کرد که نه تنها تاریخ را مستند کردند، بلکه وجدان بشری را به چالش کشیدند. یکی از ماندگارترین عکس‌های مویدی، مجموعه تصاویر «تهران، ۵۰ روز از جنگ» است؛ مجموعه‌ای که سال ۱۳۶۶، هنگام موشکباران‌های صدام به پایتخت ایران ثبت شد. در یکی از این قاب‌ها، مادری با کودکش در پناهگاه زیرزمینی، با چشمانی پر از ترس به بیرون خیره شده. نمادی از مقاومت مدنی در برابر وحشت جنگ است. این عکس‌ها که در کتاب «تهران، ۵۰ روز از جنگ» (انتشارات سروش، ۱۳۶۸) جمع‌آوری شدند، سندی بر جنایات جنگی عراق بودند و در مجامع بین‌المللی، از جمله سازمان ملل، به عنوان مدرک استفاده شدند. مویدی به همراه احمد ناطقی، از نخستین عکاسانی بود که فاجعه حلبچه را ثبت کرد؛ عکسی از قربانیان کودک با ماسک‌های اکسیژن که تن‌های‌شان سوخته از گاز خردل، یکی از شواهد کلیدی برای محکومیت صدام در دادگاه‌های جهانی شد. این قاب، برنده جوایز متعدد بین‌المللی و نماد مظلومیت کردهای عراق و همسایگان ایرانی شد. اهمیت حضور مویدی در دفاع مقدس، در انسانی کردن روایت جنگ بود. او نه تنها در جبهه‌های جنوب مانند عملیات بیت‌المقدس و والفجر ۸ حضور داشت، بلکه به عنوان عکاس تلویزیون، تصاویر زنده از آزادی خرمشهر و عبور از اروند را برای نسل داخل و خارج منتقل کرد. بیش از ۶ جلد کتاب از عکس‌های جنگ او بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۲ منتشر شده که جمله «میدانه‌ها اسرار» و «حلبچه» که هر کدام روایتی مستقل از ایثار و فاجعه ارائه می‌دهند. مویدی که لوح زرین دستخط امام خمینی(ره) را در ۱۳۶۸ به عنوان عکاس برگزیده دفاع مقدس دریافت کرد، در مصاحبه‌ای با تسنیم (۱۳۹۷) تأکید کرد: «عکاسی که چشم‌بر جنگ‌بستند، عکاس‌های عکاس نیستند؛ ما باید شاهد باشیم تا تاریخ تکرار نشود».

■ بهرام محمدی‌فر، راوی خونین‌شهر و حماسه‌های جنوب

بهرام محمدی‌فر، متولد دهه ۱۳۳۰ در تهران، عکاس برجسته جنگ تحمیلی، بالنزهای پرشور خود، حماسه‌های جنوب ایران را در قاب‌هایی جاودانه ثبت کرد و به یکی از راویان بی‌بدیل دفاع مقدس تبدیل شد. محمدی‌فر از همان روزهای آغازین جنگ در سال ۱۳۵۹، با شوری انقلابی به جبهه‌های جنوب شتافت و با دوربین پنتاکس خود، که گویی بخشی از وجودش بود، هزاران لحظه از ایثار و مقاومت را مستند کرد. او که پیش از جنگ تجربه عکاسی محدودی داشت، در کوران نبردهای خونین، بویژه در عملیات‌های بیت‌المقدس و خبیر، به عکاسی حرفه‌ای روی آورد و با حضور در خطوط مقدم، تصاویری خلق کرد که نه تنها تاریخ جنگ، بلکه روح خوزستان مقاوم را به تصویر کشیدند. محمدی‌فر که خود را سربازی با دوربین می‌دانست، می‌گفت: «عکاسی در جنگ، یعنی ثبت قلب تپنده ملتی که برای آزادی می‌جنگد». یکی از ماندگارترین آثار او، عکس معروف «خونین‌شهر» است که در سال ۱۳۶۱ پس از عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر ثبت شد. این تصویر که کلاه‌خودهای شکسته و پراکنده سربازان بعثی را در میان ویرانه‌های شهر نشان می‌دهد، به نمادی از پیروزی ماو شکست دشمن تبدیل شد. این قاب، که در آرشیو موزه دفاع مقدس خوزستان نگهداری می‌شود، نه تنها یک سند تاریخی، بلکه تجلی عزت و غیرت ایرانی است که با خون رزمندگان به دست آمد. محمدی‌فر در این عکس، با ترکیب‌بندی استادانه، تضاد میان ویرانی و پیروزی را به نمایش گذاشت. کلاه‌خودهای دشمن، خرد شده در برابر ترس، به یادماندگی از مقاومت و روحیه ایمانی و مقاومت محلی را نشان می‌داد. یکی از عکس‌های برجسته او، لقطه‌ای از شهید محمد بروجردی، معروف به «مسیح کردستان» است که در حال گفت‌وگو با رزمندگان در سنگر دیده می‌شود. این عکس، که سال ۱۳۶۱ ثبت شد، نه تنها فرماندهی ایمانی بروجردی را به تصویر کشید، بلکه وحدت رزمندگان ارتش، سپاه و بسیج را به رخ کشید. عکسی دیگر از او، لحظه بازگشت مردم خرمشهر به شهر آزادشده را نشان می‌دهد؛ مردمی که با اشک شوق و دست‌های خالی، به خانه‌های ویران‌شده بازمی‌گشتند. این قاب که در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی به نمایش درآمد، نمادی از استقامت و امید مردم جنوب شد و در کتاب «خرمشهر آزاد شد» (انتشارات سوره مهر، ۱۳۶۵) منتشر شد. اهمیت حضور محمدی‌فر در جبهه‌های جنوب، در ثبت حماسه‌های محلی بود. او که خود عاشق فرهنگ و مردم خوزستان بود، با عکس‌هایش روحیه مقاوم این خطه را به جهانیان نشان داد. بیش از ۲۰۰۰ نگاتیو از او، که بخش عمده‌ای در موزه دفاع مقدس خوزستان نگهداری می‌شود، گنجینه‌ای از لحظات ناب جنگ است: از رزمندگان عرب خوزستان که در کنار برادران پارسی خود می‌جنگیدند، تا لحظه‌های دعادر سنگرهای خاکی. محمدی‌فر که عکاسی را عشقی الهی می‌دانست، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری مهر (۱۳۹۸) اظهار داشت: «دوربین من، قلم خداوند بود که با آن، داستان ایثار را نوشتم». نمایشگاه‌های او در تهران، اهواز و حتی شهرهای اروپایی مانند لندن، همواره مورد ستایش قرار گرفت و الهام‌بخش نسل جوان شد. نقش محمدی‌فر در ثبت ماندگارترین عکس‌ها، در روایت آزادی و بازسازی هویت ملی بود. او نه تنها ویرانی‌های جنگ را ثبت کرد، بلکه با تمرکز بر لحظات پیروزی، ماند شادی رزمندگان آرشوهای ملی و موزه‌های دفاع مقدس حفظ شده‌اند، سندی بر وحدت و مقاومت مردم جنوب‌اند. محمدی‌فر پس از جنگ نیز به فعالیت خود ادامه داد و با برگزاری کارگاه‌های عکاسی در خوزستان، نسل جدیدی از عکاسان را تربیت کرد. او معتقد



بود «هر عکس، یک درس تاریخ است که نباید فراموش شود». آثارش، از عملیات والفجر مقدماتی تا کربلای ۴، ترکیبی از درد و افتخار را منتقل می‌کنند و امروز، در کتاب‌های درسی و مستندهای دفاع مقدس، به عنوان منابعی الهام‌بخش استفاده می‌شوند. محمدی‌فر با بیش از ۴ دهه فعالیت، عکاسی را به هنری برای حفظ حافظه جمعی تبدیل کرد. او در کنار ثبت جنگ، به عکاسی از بازسازی خرمشهر نیز پرداخت و تصاویری از بازگشت زندگی به این شهر ارائه داد که نماد احیای هویت ایرانی است. اهمیت حضور او، در این بود که جنگ را نه تنها به عنوان نبرد، بلکه به عنوان داستانی از عشق به وطن روایت کرد. قاب‌های او، از لحظه شهادت در شلمچه تا شادی آزادی خرمشهر، امروز در قلب نسل‌ها زنده‌اند و فریاد می‌زنند: «خونین‌شهر، دوباره شهر شد».

■ احمد ناطقی، ثبت‌کننده فاجعه حلبچه و نمادهای مقاومت

احمد ناطقی، عکاس پیشکسوت دفاع مقدس، با ثبت فاجعه‌های فراموش‌نشدنی، نقش کلیدی در روایت مظلومیت ایرانیان ایفا کرد. ناطقی متولد ۱۳۳۷ در تهران، از سال ۱۳۵۹

به خبرگزاری جمهوری اسلامی پیوست و در طول جنگ، رئیس اداره عکس شد. او بیش از ۳۰ عملیات را پوشش داد و با دوربین خود، لقطاتی را ثبت کرد که تاریخ را تغییر داد. ناطقی که موسس جشنواره عکس کودک بود، عکاسی را ابزاری برای حقوق بشر می‌دید. معروف‌ترین عکس او، «ه‌ترک حلبچه» است؛ تصویری از یک کودک کرد که پس از بمباران شیمیایی، بی‌جان در آغوش مادرش افتاده. این عکس در ۱۶ اسفند ۱۳۶۶ ثبت شد و نماد جنایات صدام شد؛ برنده جایزه جهانی و پولیتزر. ناطقی در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ حضور داشت و عکس‌هایی از عبور از شلمچه ثبت کرد. عکسی از جانبازان شیمیایی، سندی بر استفاده از گاز خردل است. اهمیت حضور ناطقی در افشای جنایات بود؛ عکس‌هایش در دادگاه لاهه استفاده شد. بیش از ۵۰۰۰ عکس از او در آرشیو ملی است. او خانه عکاسان ایران را بنیان گذاشت و عکاسی را ترویج داد. نقش او در ثبت ماندگار، در انسانی کردن جنگ بود؛ عکسی از رزمنده‌ای که قرآن می‌خواند، نماد ایمان است. ناطقی می‌گوید: «عکس، سلاح بی‌صدا است».

■ بهزاد پروین‌قدس، رزمنده و عکاس لشکر عاشورا

بهزاد پروین‌قدس، عکاس، نقاش، خطاط و جانباز دفاع مقدس، نماد رزمندهای است که دوربین را به عنوان سلاح دوم بر دوش داشت. او متولد ۳ فروردین ۱۳۴۳ در تبریز، در خانواده‌ای مذهبی و



هنری است و مادرش نقاش بود. پروین‌قدس از کودکی به نقاشی علاقه‌مند شد و با پیروزی انقلاب، عکاسی را آغاز کرد. با شروع جنگ تحمیلی، او خودجوش به جبهه‌ها پیوست و به عنوان رزمنده لشکر ۲۱ اشورا، در بیش از ۲۰ عملیات بزرگ حضور یافت. پروین‌قدس که عضو واحدهای تک‌تیرانداز، مخابرات، آربی‌جی و اطلاعات عملیات بود، بیش از ۷۲ هزار فریم عکس را در رشادتهای رزمندگان ثبت کرد. او با دوربین اسناییا روسی، کتاب‌ها کوشیده‌اند بین ستایش شخصیت و تحلیل عقلائی، توازن برقرار کنند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر

ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

■ ادبیات و شعر؛ ستایش در قالب هنر
 ادبیات هم به سهم خود در بزرگداشت نصرالله حضور یافت. شاعران فارسی‌زبان و عربی از همان روزهای نخست شهادت، اشعار خود را به او تقدیم کردند.

بازخوانی میراث یک رهبر در فرهنگ و هنر

مقاومت در قالب و قلم

سرنوشت‌ساز حزب‌الله با رژیم صهیونیستی تمرکز داشت. تصاویر جنگ ۳۳ روزه، سخنرانی‌های مهم و تحلیل‌های فرماندهان مقاومت در آن گردآوری شده بود. از حیث دقت تاریخی و کیفیت تولید، «هنر من‌الله» به عنوان یکی از کارهای جدی و مرجع درباره نصرالله شناخته می‌شود.

■ مستندهای المنار و المیادین
 ۲ شبکه لبنانی «المنار» و «المیادین» با ویژه‌نامه‌های خود سهم بزرگی در ثبت میراث ثار نصرالله داشتند. گفت‌وگوهای اختصاصی، مرور آرشیو تصویری و تحلیل‌های سیاسی در این آثار، خط زمانی از جوانی تا شهادت او را بازگو می‌کرد. این مستندها بیش از آنکه صرفاً رسانه‌ای باشند، ارزش تاریخی دارند.

■ کتاب‌ها و نوشته‌ها؛ میراث مکتوب یک رهبر

آثار مکتوب، زمینه‌ای برای ثبت خاطره و اندیشه‌های نصرالله شدند. برخی کتاب‌ها و جچه زندگینامه‌ای داشتند و برخی دیگر پژوهشی‌تر به نقش سیاسی او پرداختند.

■ «روح‌الامین»: یکی از نخستین زندگینامه‌های جامع پس از شهادت، این کتاب تلاش کرد که همه ابعاد زندگی شخصی، مبارزات و منش اخلاقی نصرالله را در قالبی روایی و قابل‌فهم برای عموم ارائه کند. برای مخاطب ایرانی، «روح‌الامین» دروازه‌ای ساده و

دوران به شناخت خواست اوست.

■ «بهار از دبیرکل»: کتابی خاطره‌محور با روایت دیدارکنندگان

مختلف، از مسئولان سیاسی گرفته تا مردم عادی، مجموعه‌ای از روایت‌های کوتاه و صادقانه که نصرالله را در هیبت یک رهبر مردمی بازمی‌نمایاند؛ کتابی که نه به تحلیل سیاسی پیچیده نیاز

۶ مهر، سالگرد شهادت سیدحسن

نصرالله است؛ دبیرکل حزب‌الله لبنان که سال‌ها در متن تحولات غرب آسیا ایستاد و به یکی از چهره‌های تعیین‌کننده مقاومت تبدیل شد. آنچه بعد از شهادتش رخ داد، نشان می‌دهد نصرالله بیش از یک رهبر سیاسی، یک نظامی بود؛ او به یک نماد فرهنگی و اجتماعی بدل شد. فی‌المثل، مستندها و کتاب‌هایی که پس از شهادتش منتشر شدند، همه بر این نکته تأکید داشتند که شخصیت او فراتر از مرز لبنان معنا پیدا کرده است. در ایران، در جهان عرب و حتی در رسانه‌های غربی، روایت‌هایی شکل گرفت که بخشی به زندگی شخصی و ساده‌زیستی او پرداختند، بخشی به رهبری‌اش در نبردهای بزرگ با اسرائیل و بخشی دیگر به الهام‌بخشی‌اش برای نسلی خوشحال هستم.

که مقاومت را فقط در میدان نظامی نمی‌بیند، بلکه در عرصه فرهنگ و هنر هم دنبال می‌کند. او فرصت مناسبی است برای مرور دوباره همین آثار؛ آثاری که در قالب تصویر و کلمه، تلاش کرده‌اند سیمای نصرالله را از زوایای مختلف بازسازی کنند؛ از مستندهای تلویزیونی گرفته تا کتاب‌های خاطرات ومجموعه‌های شعر، هر کدام بخشی از میراث او را ثبت کرده‌اند.

شهادت سیدحسن نصرالله نقطه پایان یک زندگی پر حادثه بود اما نقطه آغاز موجی تازه از روایت‌ها هم شد. روایت‌هایی که نه فقط در میدان سیاست که در عرصه فرهنگ و هنر نیز ادامه یافتند. فیلم‌ها و مستندها تلاش کردند چهره او در قاب تصویر زنده دارند؛ کتاب‌ها و خاطرات بخش‌هایی از زندگی شخصی و رهبری‌اش را ثبت کردند؛ شعرها و نوشته‌ها هم کوشیدند صدای ماندگارش را در زبان و ادبیات بازتاب دهند.

آنچه از این آثار برمی‌آید، تصویری چندبعدی از نصرالله است.



۵۷ آغاز کرد و با شروع جنگ، به جبهه‌ها رفت. او که پیش از جنگ در بحران‌های سومالی، افغانستان و لبنان عکاسی کرده بود، در دفاع مقدس بیش از ۲۰ عملیات را پوشش داد و هزاران عکس ثبت کرد. یعقوب‌زاده با دوربین خود، لقطاتی را شکار می‌کرد که ترکیبی از زیبایی و وحشت بودند؛ جایی که ایثار رزمندگان، در برابر ویرانی جنگ، برجسته می‌شد. یکی از معروف‌ترین عکس‌های او «پدر و پسر در بمباران» است؛ تصویری از یک پدر که پسر کوچکش را در آغوش گرفته و از میان دود و آتش اهواز فرار می‌کند. این عکس که سال ۱۳۶۷ ثبت شد، نماد مقاومت خانواده‌های ایرانی شد و در نمایشگاه‌های پاریس و نیویورک به نمایش درآمد. یعقوب‌زاده می‌گوید: «جنگ، چهره